

سفالگری پیش از اسلام

در شش هزار سال پیش از میلاد اولین نشانه پیدایش کوره پخت، در صنعت سفال دیده می شود و در سه هزار و پانصد سال پیش از میلاد چرخ سفالگری ساده ای که با دست حرکت می کرد ساخته شد. پیدایش چرخ سفالگری تحوّل بزرگی را درین صنعت بوجود آورد. از آغاز نیمه سده گذشته باستان شناسان تعداد زیادی ظروف سفالی و اشیاء دیگر در منطقه ای از مشرق ایران تا عراق و از قفقاز با دره سند را از زیر خاک بیرون آوردند. سفالهای پیش از تاریخ که در این منطقه وسیع یافت شده در شیوه و سبک ساختن تقریباً با مختصر تغییر یکنواخت و در سطح فنی بطرز اعجاب انگیزی پیشرفته است. نخستین نمونه های آن از شوش در ایلام که اولین سکونت گاه ایرانیان در پای فلات ایران بود بدست آمد. سفالهای شوش نه تنها مربوط به خود شوش است بلکه سفالینه هایی که از تپه موسیان در ۱۶۰ کیلومتری شوش و از سومر و تل حلف در عراق و از شمال غربی هندوستان و بلوچستان، یا از فلات ایران در تپه گیان و تپه حصار و تورنگ تپه و سیلک، یا در قسمت شرق تا آنائو که امروز در ترکستان روسیه است جزو طبقه سفالهای شوش نامیده می شود. سفالهایی که بنام شوش اول معروف است متعلق به زمانی است که از ۳۵۰۰ تا در حدود ۲۵۰۰ پیش از میلاد مسیح می باشد. در اینجا باید متذکر شد که مردمانی با تمدن نوسنگی نیز در ایالت کانسوی چین پیدا شدند و ظروف سفالی آنها ویژگیهایی همانند ظروف سفالی شوش از لحاظ روش و فن تولید دارد.

سفال نقاشی شده سیالک

کهنترین ظرفی که در ایران یافت شده است، ظرف سیاه دود آلودیست که همانند قدیمی ترین ظروف سفالی است کهن در جاهای دیگر پیدا شده است. نخستین ظرفهای سفالی که با روش کربن ۱۴ تاریخ آن بدست آمده و متعلق به هزاره چهارم پیش از میلاد مسیح است در بین النهرین یافت شده است. کهنترین سفالی که در ایران یافت شده متعلق به همان دوره است. این ظرف دست ساز نسبتاً ابتدایی به دنبال خود ظرفی سرخ با لکه های سیاه ناشی از پخت ناقص داشت. پیشرفت فنی در حرفه کوزه گری سبب بوجود آمدن سبک جدیدی شد، این سبک با تغییرات و وقفه هایی که داشت بیش از ۲۰۰۰ سال در بعضی از مناطق فلات ایران دوام کرد.

معروفترین پیشرفتهای فنی در رشته سفالینه سازی از این قرار است:

۱ - بدنه ای از خاک رس ظریف که بدون تردید آبدیده شده است. این ظرف در کوره پخته می شد و رنگ آن لیمویی، کرم، زرد، صورتی یا گاهی اوقات سرخ تیره بود. تیغه های کرم یا لیمویی رنگ که پیدا شده است نشان می دهد که پخت آن در اتمسفر احیا کننده ای انجام شده است.

- ۲ - تمام ظروف دارای ضخامت یکنواخت است، آنهایی که بلندیشان بیش از ۱۰ سانتیمتر بود ۰,۳ سانتیمتر ضخامت داشتند و بزرگترین آنها که پیدا شده است ۳۰ سانتی متر ارتفاع و ۰,۹۵ سانتی متر ضخامت داشت.
- ۳ - گردی کامل و بعضی علاماتی که در موقع چرخ دادن آن بدست آمده نشان می دهد که لااقل در آنروز چرخ کوزه گری با سرعت کم که پیش درآمد چرخهای فعلی کوزه گری است به کار برده می شده است.
- ۴ - تمام ظروف پیدا شده در دوغ آب خاک رس بسیار نرمی فرو برده شده بود که سطح آنها را اینقدر صاف کرده است.
- ۵ - یک ماده رنگی که از گرد اسید آهن آبدار و اکسید منگنز ساخته شده بود در آمیخته فوق به کار برده می شد. در پخت دوم این رنگها سیاه و قهوه ای سیر می شد.
- ۶ - پیش از پایان هزاره چهارم قبل از میلاد چرخ کندر و کوزه گری بصورت چرخ تند امروزی درآمد. لااقل این موضوع در مورد سفالهایی که سیلک در مرکز ایران تپه حصار در شمال شرقی ایران پیدا شده است، صدق می کند.
- ۷ - تقریباً در همان زمان نوعی از کوره در ایران بوجود آمد که آتشیخانه آن در زیر محل سفالها بود و یک در آجری آنها را از هم جدا می کرد، کوره ها باید از این نوع باشند. تا نظارت و بررسی اتمسفر لازم برای تولید رنگهای کرم و نخودی عملی باشد. این نوع کوره ها هنوز در سراسر کشور از طرف کوزه گران و آجرپزان به کار برده می شود و هنوز هم رنگ نخودی را برای آجر ترجیح می دهند.
- ۸ - سفالهای قالبی در تپه حصار و تل باکون در جنوب ایران پیدا شده است. در قسمتهای مختلف کشور قالبهای گلی پخته شده برای تولید زیاد مجسمه های متعلق به سالهای ۲۵۰۰ تا ۱۷۵۰ قبل از مسیح بدست آمده است.
- ۹ - سفالینه های خاکستری رنگ با لعاب سیاه درخشان ابتدا در حدود ۲۰۰۰ پیش از مسیح در تپه حصار و در سیلک بوجود آمد. این سفالها که در کوره احیا کننده پخته شده اند، اولین نوع سفالسازی لعابی است که از آن اطلاع داریم. اینجا بجاست یادآور شویم که لعابکاری سفال در قرون وسطی در کاشان متداول گردید، و کاشان تنها چند کیلومتر دورتر از سیلک است.
- تمام این پیشرفتهای فنی در مدت کوتاهی سفالسازی را یکی از حرفه های سامان یافته کرد. و از آن تاریخ تا کنون به همین نحو باقی مانده است. اما مهارت و استادی کوزه گران باستان تنها از نظر فنی نبوده است، زیبایی

این فراورده ها فوق العاده است. به کار بردن رنگیزه های اکسیدی با قلم مو با حرکات متوالی کاملاً مشهود است.

تزیینات نقش حیوانات و نباتات را تقریباً با طرح هندسی دقیق نشان می دهد.

سفالگری بعد از اسلام

تازیان در زمان کوتاهی سراسر خاک ایران را گشودند، اشغال ایران از طرف تازیان ابتدا اثری در کار سفالسازی نداشت، اما وقتی که در سال ۷۵۰ میلادی خانواده ایرانی ابوالعباس بر تخت خلافت بغداد تکیه زد، فعالیت فرهنگی ایرانیان بار دگر آغاز گردید. اسلام بکار بردن ظرفهای گران قیمت فلزی به ویژه زر و سیم را غدغن کرده است. از اینرو بار دگر طبقه حاکمه خریدار ظرفهای سفالی شدند و آماده شدند که سفالهایی که بسیار خوب آراسته شده و از لحاظ هنری در سطح والایی قرار داشت بخرند. رفته رفته پیشینه سفالگری در بسیاری از مراکز سفالسازی ایران بنیاد گرفت و صاحبان این کارگاهها استادان فن را بکار گرفتند. نوشته ای که در سنگ محراب امامزاده یحیی ورامین در نزدیکی تهران هست، افتخار ساختن محراب را به سه کس یعنی سفالساز، طراح نقشه و خوش نویس می دهد.

از لحاظ تاریخی دوره اسلامی به سه بخش تقسیم می گردد:

۱ - دوره اولیه اسلامی تا آغاز سده یازده میلادی

۲ - دوره میانه اسلامی شامل پادشاهی سلجوقیان و مغولها

۳ - دوره متاخر اسلامی از زمان صفویه تا به امروز

دوره اولیه اسلام

در دوره اولیه اسلام، سفالساز افتاده و متواضع ایرانی در همان زمینه پارتها و ساسانیان کار می کرد. ظرفهای وی بی لعاب بود و در قالب فشاری ها آن را آراسته کرده، تزیین می داد و یا ظرفهایی از لعاب آبی یا فیروزه ای می ساخت. اینگونه قالبهای فشاری از خاک رس بی لعاب ساخته می شد و پیش از پختن آن را برای آرایش ظرف کنده کاری می کردند.

در دوره اولیه سفالگری ظرفهای چینی که از چین آورده شد سبب تشویق و تحریک ایرانیان در توسعه صنعت سفالسازی شد. ثعالبی و بیرونی دو نفر از مورخین مشهور درباره انواع سفالهایی که از چین آورده شد شرحی نگاشته و مرغوبیت آن را ستوده اند. محمد بن الحسین می نویسد که فرماندار خراسان در سال ۱۰۵۹ میلادی بیست تکه ظروف چینی از کشور چین دریافت کرد و آن را به بارگاه خلیفه بغداد فرستاد؛ و سفالسازان داخلی را تشویق به ساختن

سفالهایی شبیه به آن کرد. در حقیقت در اثر تشویق فرمانداران و حکام محلی، نوآوری‌ها و اختراعات زیادی در فن بدل چینیسازی و تقلید چینیهای دوره تانگ در ایران بوجود آمد. سفالسازان ایرانی در تقلید از چینیهای سبک تانگ در ایران بوجود آمد. سفالسازان ایرانی در تقلید از چینیهای سبک تانگ آنقدر استاد بودند؛ که در نظر اول همه مصنوع آنها را بجای چینی اصل می گرفتند.

کوششی که سفالسازان ایرانی در تقلید چینیهای کشور چین در دوره های اولیه اسلام کرده اند سبب کشف مجدد لعاب مینایی قلع گردید. در سده هشتم پیش از میلاد مسیح آشوریها اکسید روی را در لعابهای سربی خود برای بدست آوردن رنگ سفید کدر به کار برده اند. چون آخرین کار برای این فن در خاور نزدیک را می توان از آجرهای لعابی که در شوش و تخت جمشید در سده پنجم ساخته شده است ثابت کرد؛ بنابراین وقتی می گوئیم بعد از ۱۵۰۰ سال دوباره آن را باز یافتند بی دلیل نیست. این لعاب جدید که سطح کاملاً سفید درست می کرد، کاربرد گل و رس سفید را از بین برد و از ایران به سرعت به تمام کشورهای اسلامی تا اسپانیا گسترش یافت. در آنجا پایه و اساس سفالسازی اسپانیایی - آفریقایی گردید که در جزیره اسپانیایی مایورکا ساخته می شد؛ از آنجا به نام ماجولیکا به ایتالیا آمد و طولی نکشید که ایتالیا نیز آن را تولید کرد. از ایتالیا به آلمان و هلند و انگلستان رفت. در هلند و انگلستان به نام چینی آلات دلفت معروف گردید.

یکی دیگر از اختراعات ایرانیان در صنعت سفالسازی رنگهای مینایی بود که قبلاً در سال ۸۸۳ میلادی آغاز گردیده بود. اشیائی که رنگ مینایی بر آنها زده شده است - سفالسازان چینی هیچگاه این رنگ را به کار نبرده اند - در کارگاه‌های کوزه‌گری فوسطاط نزدیک قاهره و در عراق پیدا شده است. ولی بیشتر دانشمندان امروزه بر این باورند که رنگ مینایی یک اختراع ایرانی است. رنگ مینایی در اسپانیای افریقا در کارگاه‌های کوزه‌گری معروف پاترنا و والنسیا به کار برده می شد، و در سال ۱۵۰۰ میلادی به ایتالیا رسید.

سه نوع رنگ مینایی وجود دارد:

- ۱ - رنگ مینایی طلایی ساده روی زمینه سفید.
- ۲ - رنگ مینایی جگری در زمینه سفید یا مخلوط با سایر رنگها.
- ۳ - رنگ مینایی چند رنگ با درخشندگی فلز مس یا نقره، یا اگر روکش آن بسیار نازک باشد، رنگ مینایی زرد، قهوه ای یا زیتونی بر زمینه سفید.

رنگ مینایی در زمان سلاطین سلجوق و مغول در کاشان به اوج تکامل خود رسید.

در زمان سلجوقیان (۱۰۳۷ - ۱۱۴۷ میلادی) جهش چشمگیری در تمام هنرها، صنایع و علوم پدید آمد. با اینکه سلجوقیان در اصل ترک بودند ولی خود را با روش زندگی ایرانیان تطبیق دادند. در مورد سفالسازی این دوره باید گفت "عصر طلایی چینی سازيست"؛ در این دوره تمام روشهای فنی شناخته شده به کار برده می شد: حکاکی، برجسته کاری، شبکه سازی، قلمزنی رنگ زیر یا روی لعاب، مطلا کاری و مینا کاری. چنین بنظر می آید که در آن دوره نقاشان و طراحان استاد سفالساز را یآوری میکردند و این امری عادی بوده است.

کوشش مستمر سفالسازان ایرانی برای اینکه بتوانند با چینیها و لعابهای ساخت کشور باستانی چین برابری کنند موجب بوجود آمدن دو اختراع در ایران گردید، اولین اختراع ترکیب خمیر نرم با آمیخته زیادی از دُر کوهی و دیگر کشف مجدد لعاب قلیایی که برای آخرین بار در مصر باستان بکار می رفت. دانه های دُر کوهی و خمیر شیشه ای لعاب قلیایی را به خاک رس اضافه میکردند، پس از پختن رویه نیمه شفاف و سخت و به هم چسبیده ای بدست می آمد، و این همانند ماده و خمیری بود که در سده هجدهم در اروپا به عنوان خمیر نرم چینی شناخته شده بود. برای بدست آوردن لعاب شفاف با اکسید قلع کار می کردند. تنه ظرف را اغلب کنده کاری کرده و با لعاب یکدست می پوشاندند، این فن را لقبی می گفتند.

متداول شدن لعابهای قلیایی سبب شد که فن رنگ آمیزی جدید بوجود آمد. آمیخته مس در لعاب سرب معمولاً رنگ فیروزه ای تیره یا سبز زنده بوجود می آوردند؛ ولی همین مس در لعاب قلیایی رنگ نیلی سیر درست می کرد. لاجورد کاشی (کوبالت) در لعاب قلیایی رنگ آبی مشکی (لاجوردی) می ساخت. در نزدیکی قم و کاشان معادن لاجورد کاشی (کوبالت) هست و احتمال دارد که استفاده از کوبالت از همانجا آغاز گردیده باشد. از جمله لعابهای دیگری که عموماً در لعاب های قلیایی به کار میرفت عبارتند از: فیروزه ای روشن، سبز روشن، یشمی، سرخ ارغوانی و زرد ملایم که اغلب آرایه زر هم به آن افزوده می شد. ترکیب طلا در لعاب یا به صورت زر گداخته و یا به حالت سریشی بود.

با استفاده از این زرورق، کوزه گر ایرانی دو شیوه تازه لعابسازی پیدا کرد که به نام مینایی و هفت رنگ شناخته می شد. برای ساختن لعاب مینایی کوزه گر، خمیر شیشه قلیایی و رنگیزه ها را در کوره می گداخت و به صورت لعاب مورد نیاز در می آورد. پس از خنک شدن آن را گرد می کردند و هنگامی که این لعاب روی ظرف داده شده و به کوره برده می شد رنگش تغییر نمی کرد و نقاش و تزیینکار قبل از وقت می دانست که لعاب پس از پخته شدن، چه رنگی خواهد داشت و همین امر سبب شد که دامنه تعداد رنگها را گسترش دهد.

در سده سیزدهم اصلاحاتی در لعاب مینایی پدید آمد، و به نام لعابهای قلم مویی شناخته شد. در این شیوه با قلم مو رنگ لعابی را که مقدار اکسید آن زیاد بود روی تنه ظرفی که قبلاً در کوره رفته بود می زدند و خطوط منقش آن را می آراستند. این رنگها در پخت دوم مشخصتر می شد، و سپس ظرف در لعاب یکدست فیروزه ای و یا عاجی فرو برده شده و برای بار سوم به کوره می رفت. چون رنگیزه ها را با قلم مو و خیلی رقیق زده بودند شوره نمی کرد و لکه دار نمی شد. مراکزی که ظرفهای لاجوردینه تهیه می کردند، ری و کاشان بودند، علی ابن یوسف و ابوطاهر حسین از کوزه گران به نام ری بودند.

سفالسازان کاشی در ساختن محرابها بسیار استاد بودند. قبلاً محرابها را گچبری می کردند. محراب کاشی بسیار زیباست و صدها کاشی مینایی و درخشان بزرگ که خوب هم به هم سوار شده و اغلب هم کنده کاری شده، محراب را تشکیل می دهد. این محرابها نیز نتیجه همکاری نزدیک میان سفالساز و نقاش آرایه گر است. این کلمات در سنگ نبشه محراب امامزاده جعفر در قم دیده می شود: "در دهم ربیع الثانی ۷۳۸ (۶ نوامبر ۱۳۳۷ میلادی) در کاشان در کنار سید رکن الدین محمود بن سید زین الدین غضایری به دست جناب مستطاب جمال نقاش ساخته شد". دو نقاش دیگر که در آراستن کاشیهای ستاره ای و ضرب در نامبردارند به ترتیب عبارتند از: ابوروفظا که در حدود سال ۱۲۰۰ میلادی می زیست و دیگری طاهر الدین که در حدود سال ۱۲۶۳ میلادی کار می کرد. در روی یکی از کاشی هایی که از نقاش نخستین باقی مانده است این کلمات خوانده می شود: "در شب های میان سه شنبه و چهارشنبه، در آخرین روز صفر سال ۶۰۰ هجری ساخته شد.

دوره متأخر اسلامی

هنگامی که شاه اسمعیل در سال ۱۵۰۱ میلادی پس از ۸۵۰ سال فرمانروایی بیگانگان بر تخت نشست و نخستین شاه دودمان صفویه گردید، بزرگی و عظمت ایران آغاز گردید؛ و تا دویست سال ادامه داشت. در زمان شاه عباس بزرگ این عظمت به اوج خود رسید (۱۵۸۷ - ۱۶۲۰ میلادی) آوازه شکوه و جلال دربار شاهنشاهی او به دربارهای اروپا رسید، و سفیرانی از بسیاری از کشورهای اروپا به پایتخت وی یعنی اصفهان آمدند. شاه عباس خود صنعتکار و بازرگانی باهوش بود. استادان فن را از امپراطوری پهناور خود جمع کرد و در اصفهان یا پیرامون آن جای داد و کارگاههای صنعتی شاهی بیشماری بنیاد نهاد. به پیشه وران جزء و صنایع خصوصی نیز کمک می کرد. هنگامی که از بازرگانان و نمایندگان کمپانی هند شرقی هلند که دژی در جزیره هرمز در خلیج فارس داشتند، شنید که آنها مشغول تجارت ظروف چینی کشور چین هستند؛ از بازرگانان چینی دعوت کرد که چینی های زیبای خود را از راه خشکی برای

صادرات به اروپا به کشور وی بفرستند و بدین ترتیب کمپانی هلندی را از میدان خارج کرد. خود شاه گردآورنده تعداد زیادی ظروف زیبای چینی بود؛ مجموعه چینیهای وی هنوز در آرامگاه خانواده شیخ صفی در اردبیل وجود دارد. این امر نفوذ صنعت چین را دوباره برگرداند و سفالسازان ایرانی بار دگر در کار چینی سازی کوشیدند و شیوه کار کاشان را کامل کردند و کائولین سفید نرمی را که در نائین و علی آباد پیدا شده بود بکار بردند و با لعاب خمیر شیشه قلیایی که قبلاً گفتیم درهم آمیختند.

چون سفالهای ایرانی بدل چینی بود شاه عباس ۳۰۰ کوزه گر چینی را به ایران دعوت کرد تا سفالسازان ایرانی در صنعت چینی سازی آموزش دهند. رهبر این عده مردی بود که در افسانه های ایرانی به نام "من او هر" شناخته شده است. جهانگردان اروپایی که در آن زمان به ایران مسافرت کرده اند، مرغوبیت و جنس اعلاای فرآورده های داخلی را تحسین کرده اند.

در سده هجدهم و نوزدهم که شاهان و فرمانروایان ایران ضعیف بودند، سقوط کلی در بیشتر صنایع و حرفه ها پدید آمد؛ ولی سفالسازان به ساخت ظرفهای زیبای خود ادامه دادند؛ به طوری که در دوره شروع نوسازی ایران، زمان رضا شاه (۱۹۲۵-۱۹۴۱ میلادی) توانستند بیشتر کاشیهای که از سردرها و گنبد های مسجدها و امامزاده های قدیمی ریخته بود با کاشیهای به مرغوبیت کاشیهای قرون وسطی تعمیر کنند. هم اکنون لالچین همدان یکی از مراکز سفالگری پر رونق ایران اسلامی است.